# لزوم جمع‌آوری مستندات بحث

شاگرد: این جزیی موافقت قرائت با قواعد عربی را شرط می‌کند. از فرمایش شما در کلمه «صراط» اینطور برداشت شد که در میان عرب، قلب «س» به «ص» رواج داشته. به‌خاطر همین هم هست که در معاجم انعکاس پیدا نکرده است. این کلمه ای مثل کلمه «تترا» است که در زبان عربی «تترا» نداریم. یعنی ابدال «و» به «ت» است که در اینجا هم «س» قلب به «ص» شده ای موافقت با قواعد عربی مطلب دیگری است.

استاد: من دیروز به این صورت عرض نکردم. گاهی بحث مطرح می‌شود و دیگران هم چیزی می‌فرمایند و دو حرف در یک فضای بحث می‌آید. من عرض نکردم تبدیل «س» به «ص» مربوط به قواعد عربی است. من داشتم اصل رسم مصحف را می‌گفتم که روی حساب است. قواعد عربی که این جزیی در النشر می‌گویند نوعاً ناظر به قواعد نحوی است. یعنی به قواعد الاعراب است؛ نه حتی بناء و چه برسد به قلب. آن چیزی که از نظر این جزیی مسلم است از این ناحیه است. نه اینجا. ولو مانعی ندارد که در اینجا توسعه بدهیم. البته او خودش تصریح می‌کند که موافق قواعد عربی باشد ولو به وجهٍ و لذا همانطور هم که خودش گفت کجا هست که موافق قواعد عربی ولو بوجه نباشد .

مواردیکه به‌خاطر حروف حلقی به «صراط» تبدیل می‌شود؛ می‌گویند به‌خاطر «ط»، «س» تبدیل به «ص» شده. یعنی در این فضاها هر کسی یک چیزی می‌گوید و به یک جهتی نظر دارد. حالا جمیع نظرها درست است یا بعضی از آنها درست است؟ اینها مناسباتٌ ذکروها بعد الوقوع است. علی ای حال خود آنها تبدیل «س» به «ص» را طبق قاعده می‌گویند. بنابراین حتی طبق آن مبناء هم با حرف این جزیی موافق است.

شاگرد۲: من تناسب وجهی که برای کلام شهید ثانی فرمودید را متوجه نشدم.

استاد: من این را حتماً تأکید کنم؛ در مباحثه ما وقتی مطالعه می‌کنید گویا به اقیانوسی از مستندات می‌رسید. به قدری کتاب و منبع هست؛ اوائلی که شروع کردیم خودم هم باور نمی کردم و اصلاً به ذهنم خطور نمی کرد که ما در این زمینه این قدر کتاب داریم؟! اگر می‌گفتند صدتا، می‌گفتیم خب صدتا است. یک دفعه می‌دیدیم چندین هزار کتاب در دسترس و غیر دسترس هست. آدم تعجب می‌کند. ریز به ریز چیزها را حرف زده‌اند. گاهی می‌گفتیم اجازه‌ای که دادند صرف اجازه است، بعد می‌دیدیم برای خودشان عالمی دارند. ما که دور هستیم همینطور از آنها در می‌شدیم و می‌گفتیم اسانید اصطناعیه است. و حال اینکه وقتی به‌دنبال آن می‌روید می‌بینید که به این صورت نیست. اصطناع کجا بود؟! حسابی ملاحظه دارند.

لذا مطلبی که با این کثرت بیان می‌کنم به این خاطر است که می‌خواهم تأکید کنم. عرض من در سه مرحله است. یکی طرح مستند، یکی تصور تام مستند، سوم تصدیق مستند. گاهی یک چیزهایی را به‌عنوان اینکه صرفاً در ذهن شریفتان بیاید فقط طرح می‌کنم. حتی ممکن است در آن جا تصور ناقصی بیاید. فعلاً این برای طرح آن است. اگر آن را نگویم که به دنبالش نمی‌رویم. برای اصل الطرح است. اصلاً آن را برای طرحش می‌گویم تا بدانید که این جور چیزی هست. چه بسا کذب محض است اما علی ای حال در کتب هست و دارند از آن حرف می‌زنند. اول ما باید طرح کنیم و بعد ببینیم محتوایش چیست و بعد در تصدیقش بگوییم که قطعاً کذب است. منافاتی با هم ندارند تا بگویید تو که این را گفتی. من مستند را طرح می‌کنم، بعد باید آن را به‌خوبی تصور کنیم؛ مشکل در این دومی است. نوعاً در علومی که رائج نبوده و کلاسیک نبوده -حتی در رائجش هم همینطور است. کسانی که در مباحثه اصول بوده‌اند می‌دانند. بعضی از مطالب

بود که از اول طلبگی به فلانی نسبت میدادند بعد که ما متن اصلی را رفتیم دیدیم نقل اصلی از او درست نبود. وقتی کار تخصصی مطرح میشود به این صورت میشود. چه برسد به علومی که مطرح نبوده و کلاسیک نبوده. لذا در مرحله دوم نیاز دارد که عبارت را بهخوبی بخوانیم و آن را تصور تام کنیم تا در برداشت از آن کتاب و مستند اشتباه نکنیم. این گام دوم است.

گام سوم این است: ما به این زودی قرار نیست که مستندی را تصدیق کنیم. مثلاً در تواتر، نقطه شروع و انطلاقمان صفر است. شکی در اینها ندارید. ارزش تواتر صفر است. ما در تواتر از صفر شروع میکنیم. نه از پنجاه درصد. یعنی در ادعای تواتر ما از صفر شروع میکنیم و بالا میرویم تا ببینیم تواتر هست یا نیست. نه اینکه همینطور شروع کنیم و بگوییم فلانی گفته تواتر هست، ما هم بگوییم هست. اصلاً به این صورت نیست. خواهید دید ان شاءالله که در مرحله تصدیق چه کار می کنیم.

مشکل ما این است که مستندات زیاد است و باید آنها را طرح کنیم تا بهدنبال آن برویم و آنها را ثبت کنیم. دوم بررسی کنیم و ببینیم میخواهد چه چیزی بگوید؟ بعد از اینکه فهمیدیم چه چیزی میخواهد بگوید مرحله تصدیقش میرسد.

---

بازبینی #2
ایجاد شده 20 مارس 2024 16:03:03 توسط ... .
به روزرسانی شده 13 مه 2024 14:46:41 توسط ... .